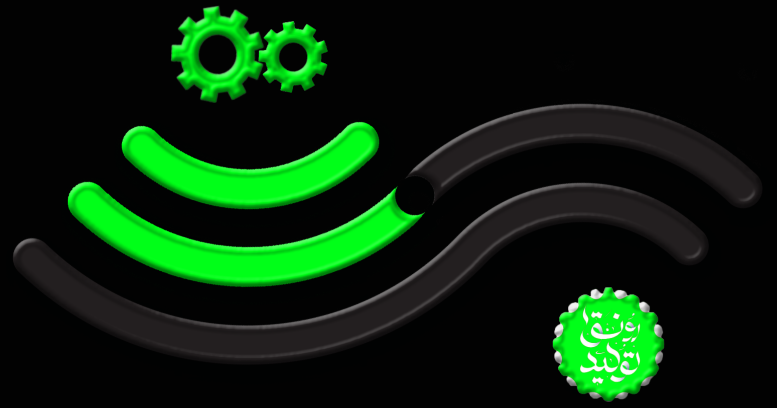


ماهنامه اقتصادی و معیشتی

برکت

آذر ماه ۱۳۹۸ / سال ششم / شماره ۱۶
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه اراک



تنظیم شده توسط:

حامد آقار مریم سبزی
محمدجواد سلطانی نژاد



فارق در بنزین



- معیشت پارانہ ای پارانہ معیشتی
- بودجه کجاست؟!
- از منظری دیگر...
- اصلاحات اقتصادی اولویت دارد!

غرق در بنزین

نقد يك سياست اشتباه



در قلمروی اقتصاد هیچ عاملی به اندازه سیاست‌های تورم‌زا و اشتغال‌زدا در گسترش نابرابری و فقر نقش ندارد. به طوری که در همین سیاست تغییر قیمت بنزین بیشتر استدلال‌ها در محکومیت آن مربوط به تورم‌زایی و اشتغال‌زدایی آن است. بنابراین باید متأسف باشیم که آقای رئیس‌جمهور، رئیس سازمان برنامه و بودجه و دیگر مسئولان اقتصادی، استراتژی تبلیغاتی خود را بر این موضوع تمرکز کردند که در این سیاست به هیچ وجه طمع مالی ندارند که البته میتوان با ۱۰ دلیل نشان داد که از نظر کارشناسی قابل خط‌خده است، اگر واقعیت هم داشته باشد باز هم به هیچ وجه توجیه این سیاست نیست. البته آنچه که در این چند روز مردم با پوست و گوشت خود لمس کردند جدا از آمارهای شگفت‌انگیزی است که ارائه می‌شود. بنابراین اگر دولت محترم فکر می‌کند با اجرای سیاست‌های تورم‌زا خیری به فقرا می‌رساند با ادله بی‌شمار می‌توان نشان داد که این گونه نخواهد بود. اضافه می‌شود که حتی اگر دولت در اجرای این سیاست به فکر جیب خود هم بوده است، می‌توانست با روش‌های دیگر مدیریت مصرف سوخت، درآمد بسیار بیشتری را نصیب خود و مردم نماید و منفعت اجتماعی را افزایش دهد. دقیقاً چهار سال پیش (آبان ماه ۱۳۹۴) بود که با گسترده شدن موج اجتماعی و مردمی علیه خودروسازان و کمپین داخلی برای نخریدن خودروی داخلی، دولت به میدان آمد و ۲۵۰۰ میلیارد تومان وام به خودروسازان داد تا در قالب وام ۲۵ میلیونی، خودروهای چندماه انبارشده خود را به مردم بفروشند. بر این اساس و با توجه به اطلاعیه مشترک بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت، که در آن ایام منتشر شد، بانک عامل اسناد تجاری ناشی از فروش خودرو و ماشین‌آلات کشاورزی را تا سقف ۲۵۰ میلیون ریال و حداکثر تا ۸۰ درصد بهای فروش هر دستگاه در قالب عقد خرید دین با نرخ ۱۶ درصد خریداری می‌کند. همچنین منابع مورد نیاز این طرح توسط بانک مرکزی با نرخ سالانه ۱۴ درصد برای بانک‌های عامل تأمین می‌شود. حال پس از گذشت دقیقاً چهار سال، همین دولت در آبان ماه ۱۳۹۸ از افزایش میزان مصرف سوخت و استفاده از خودروهای شخصی شکایت و گله کرده و اعطای یارانه به دارندگان خودرو را ظلم به اقشار جامعه دانسته و مصرف بالای سوخت را بهانه و توجیهی برای افزایش شوک آمیز قیمت بنزین آن هم بدون اطلاع قبلی و با یک روش کاملاً بدوی قرار داد و قیمت سوخت را شبانه افزایش داد. در بین اصول متعدد سیاست‌گذاری، اصلی داریم که تأکید می‌کند "مسائل امروز ناشی از راه حل‌های دیروز هستند". بدون شک، نمی‌توان انتظار داشت آثار و نتایج سیاست‌گذاری‌های غلط، همان لحظه و یا در همان سال برای مسئولان و مدیران و سیاست‌گذاران پدیدار و آشکار شود. نمی‌توان چهار سال قبل، چند هزار میلیارد تومان به مردم وام داد که خودروهای بی‌کیفیت و پرمصرف و مانده در پارکینگ‌های خودروسازان را خریداری کنند و علاوه بر مصرف سوخت، مشکل

ترافیک و آلاینده‌گی کلان شهرها را دامن زد و در آن ایام از این اقدام بسیار خوشحال بود و مسئولان وقت و دولتمردان با دم خود گردو بشکنند که توانستیم با یک ترفند، خودروهای انبار شده در دو خودروساز داخلی را به مردم بفروشیم؛ اما چند سال بعد، از مصرف بالای سوخت و به ویژه بنزین، آلودگی هوا و ترافیک سنگین در جامعه گله کنیم و حال تمام کاسه کوزه‌ها را بر سر مردم بشکنیم. اخیراً رییس شورای شهر تهران علنی گله کرده بود که "تا کنون ۱ ریال یارانه بلیط مترو پرداخت نشده و طی ۶ سال قبل یک دستگاه اتوبوس از سوی دولت به تهران تحویل نشده." مگر می‌شود دولت برای فروش خودروهای در انبارمانده خودروسازان حاضر به پرداخت تسهیلات ۲۵۰۰ میلیارد ریالی به خودروسازان و تأمین اعتبار آن باشد اما در طی شش سال، حتی یک دستگاه اتوبوس به شهر تهران تحویل نداده باشد؟! بدون شک، با کنار هم قرار دادن این فاکتورها و واقعیت‌ها هیچ گاه نمی‌توان ادعاها و توجیهات دولتمردان مبنی بر نگرانی در خصوص افزایش مصرف سوخت، آلودگی کلان شهرها، ترافیک، و همچنین لزوم استفاده مردم از حمل و نقل عمومی را قبول کرد و یا حداقل تلاش کرد این‌ها را به جامعه قبولاند. شاید بتوان ده‌ها و حتی صدها صفحه نقد در خصوص این اقدام و نحوه اجرای افزایش قیمت بنزین طبق مصوبه سران سه قوه نوشت. اما مسئله مهم آن است که سیاست‌گذاری و حصول به نتایج مطلوب یک فرآیند است. بدون شک، سیاست‌گذاری در خصوص مصرف سوخت یک مسئله ساده نبوده و یک مسئله درهم تنیده است که با توجه به اقدامات غلط و اشتباه دولت‌ها به یک مسئله بدخیم تبدیل شده است و از این رو، هر نوع سیاست‌گذاری در این حوزه به عوامل و فاکتورهای بسیار زیادی وابسته است. ساده‌انگاری و خطی دیدن سیاست‌گذاری در این حوزه‌ها توسط مدیران، دولتمردان و سیاستگذاران

یکی از بزرگترین بلاهای سیاست‌گذاری در کشور است؛ بلایی که گویا دولت مردان یا از نبود مشاوران و متخصصان قوی در این حوزه‌ها رنج می‌برند و یا اینکه تمایلی برای شنیدن نظرات متخصصان در این حوزه‌ها را ندارند. مسئله‌ای که در هر دو صورت دودش به چشم جامعه و کشور خواهد رفت. سیاست‌گذاری میدان یک بام و دو هوا بازی و آزمون و خطا نیست. آنجا که به نفع مان باشد هر طور می‌خواهیم عمل کنیم و آنجا که به نتایج سیاست‌های غلط گذشته مان پدیدار گشت، باز هم با توسل به روش‌های غلط تر شرایط را وخیم‌تر کنیم. کمی تأمل و تعمق در سیاست‌گذاری‌های کشور به ویژه در بخش آب و محیط زیست و سایر حوزه‌ها نشان می‌دهد که این سبک از سیاست‌گذاری بنزینی در کشور در مسائل مختلف کاملاً مشهود است. آمار غیررسمی متعددی درباره میزان بانک‌های آسیب‌دیده منتشر شده که از ۷۰۰ بانک تا بیش از یک هزار بانک را در برمی‌گیرد. در برخی از بانک‌ها فقط شیشه‌ها شکسته شده و به تابلوی آنها خسارت وارد شده است که کمترین میزان خسارت به شمار می‌رود. اما در برخی دیگر از بانک‌ها، تجهیزات داخلی، کامپیوترها و مبلمان داخلی مانند صندلی و بجه‌ها و فضای داخلی آسیب دیده است. شماری از بانک‌ها نیز دچار آتش‌سوزی شده و علاوه بر نابودی همه اسناد و تجهیزات داخلی، به نمای بیرونی نیز آسیب جدی وارد شده و نیاز به بازسازی کامل دارند. با فرض خسارت دیدن ۷۳۱ شعبه بانکی و در نظر گرفتن یک میلیارد تومان برای بازسازی هر شعبه و همچنین جبران خسارت ۲ تا سه هزار خودپرداز آسیب‌دیده در مجموع برای بازسازی همه شعب بانکی و خودپردازهای آسیب‌دیده در جریان اعتراضات اخیر به ۸۰۰ تا یک هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است. علی‌القاعده دولت این خسارت را پرداخت خواهد کرد اما در اصل این خسارت از جیب مشتریان بانک‌ها پرداخت خواهد شد.

معیشت پارانه ای با پارانه معیشتی



بنزین است که با افزایش نرخ آن، براساس برآوردهای کارشناسان به صورت خالص، ۳۶ هزار میلیارد تومان در سال برای دولت، عایدی به همراه دارد و مشخص نیست که آیا این رقم برای سهم بنزین در نظر گرفته شده و ۳۰ هزار میلیارد مربوط به صادرات دیگر فراورده‌هاست. در عین حال موضوع پارانه‌های انرژی برای دولت بسیار حیاتی است چراکه همواره افزایش قیمت حامل‌های انرژی با تورم همراه بوده است و دولت بیم آن را داشته که با افزایش قیمت حامل‌ها زمینه را برای نارضایتی‌های اجتماعی و سوءاستفاده‌های سیاسی فراهم کند. حالا که دولت با توجه به تحریم‌های آمریکا و تهدید کاهش درآمدهای ملی با مشکل تأمین منابع مالی بودجه روبرو شده به موضوع افزایش قیمت حامل‌های انرژی جدی‌تر از گذشته توجه کرده است. همچنان که این موضوع، یکی از بندهای مهم سند اصلاح ساختار بودجه نیز هست. البته آن‌گونه که گفته شد دولت می‌خواهد با منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی، بخشی را در قالب پارانه‌ها به دهک‌های پایین درآمدی دهد. این مسئله در حالی مطرح می‌شود که دولت در سال‌های گذشته موفق نشده بود دهک‌های بالا را شناسایی کرده و این انتقاد علیه دولت وجود داشت که با استمرار پرداخت پارانه نقدی به آنها منابع کشور را هدر داده است. تمام بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر سطح عمومی قیمت‌ها تأثیر مثبت دارد. این تأثیر به صورت مستقیم و غیرمستقیم قابل بررسی است. در بین متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان، نرخ تورم به عنوان هسته اصلی تأثیرپذیری اجرای این سیاست است و سایر متغیرها به تبع نرخ تورم، متأثر می‌شوند.

نص صریح قانون هدفمندی یارانه‌ها و ماده ۳۶ قانون برنامه ششم توسعه، دولت مکلف است هر ساله ۲۰ درصد قیمت سوخت را افزایش دهد بنابراین آقای روحانی به عنوان مجری قوانین مصوب کشور طبق چه اختیاری تصمیم می‌گیرد تغییر کوچکی در قیمت بنزین ایجاد کند؟! حال آن‌که قانون دوره‌ی زمانی و مقدار تغییر قیمت را مشخص کرده و دولت‌ها موظف به اجرای آن هستند مگر قانون جدیدی وضع شود. همچنین دولت ایشان بر اساس کدام قانون اصلاحی به این نتیجه رسیده که سال ۹۵ نباید قیمت سوخت افزایش یابد و ایشان نیز مجاب شده است؟! همچنین در ادامه مطالعه ابعاد حقوقی ماجرا، در ماده ۳۹ قانون برنامه ششم توسعه بر حذف نشدن کارت سوخت تأکید شده است که دولت آقای روحانی به این قانون نیز پایبند نبود و با حذف کارت سوخت و حذف سهمیه‌بندی بنزین در این سه سال هزینه ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی را به کشور تحمیل کرد. دولت نه تنها قانون هدفمندی یارانه‌ها را اجرا نکرد، بلکه سهمیه‌بندی بنزین و بخش مهمی از زیرساخت کارت سوخت در کشور را نابود کرد. حال آنکه اگر روش قبلی مدیریت سوخت در کشور را مناسب نمی‌دانست و منتقد آن بود، باید روش کارشناسی دیگری را به کار می‌بست، نه اینکه دوباره به خانه‌ی اول بازگردد و همه‌چیز را انکار کند. باید متذکر شویم که در مورد سیاست‌های اجرایی و اقتصادی در کشور ممکن است چند نهاد یا رییس قوه، اجرای آن را تأیید یا تصویب کنند اما این تأیید به معنی سلب مسئولیت اجرا از رییس قوه‌ی مجریه نیست! با این استدلال رییس جمهور، پس نتایج قوانین مصوب مجلس که توسط قوه‌ی مجریه در کشور اعمال می‌شود هم متوجه نمایندگان مجلس است نه هیئت دولت!

اقتصادی ایجاد کردن" قرار بود که نیاز به پرداخت یارانه نباشد ولی نه تنها یارانه چهل و پنج هزار و پانصد تومان پرداخت شد بلکه یارانه معیشتی نیز توسط همین دولت در دستور کار قرار گرفت. ایراد سوم این است که این یارانه معیشتی توجیه اقتصادی ندارد، در واقع این مبلغ واریزی پنجاه هزار تومانی حتی برطرف کننده‌ی کوچک‌ترین نیاز مردم هم نیست چه برسد به پول بنزین‌شان! این در حالی است که تورم برخی اقلام به بالای ۱۲۰٪ هم می‌رسد، لذا هیچ‌گونه توجیه اقتصادی ندارد و دیگر ایرادات و اشکالاتی که درباره این موضوع وجود دارد و بحث دیگر حامل‌های انرژی است که دولت با فروش آن درآمد به دست می‌آورد و از این طریق به مردم یارانه می‌پردازد ولی این مبلغ یارانه خیلی کمتر از درآمد حاصل از فروش حامل‌های انرژی است. قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی در اقتصاد ایران به وسیله دولت انجام می‌شود. جزئیات طرح منابع هدفمندی یارانه‌ها در لایحه بودجه ۹۹ حکایت از آن دارد که دولت در تلاش است یارانه حامل‌های انرژی را تا جایی که به نظر کارشناسان و مدیران سازمان برنامه و بودجه کشش دارد، کاهش دهد و این یعنی احتمالاً گرانی برخی از حامل‌هایی که پیش‌تر شاهد آن در اجرای سهمیه‌بندی بنزین و افزایش نرخ آن بودیم. البته باید در نظر داشت که دو سوم افزایش ارقام نگاه‌ی به صادرات دارد و بار مالی بر دوش مردم نمی‌گذارد اما یک سوم باقی، افزایش قیمت در حامل‌های انرژی را برای مردم در پی دارد براساس اطلاعات موجود، بیشترین سهم از این میزان معطوف به صادرات پنج فراورده نفتی است که قرار است با افزایش دوبرابری، به ۸۲ تا ۸۳ هزار میلیارد تومان برسد، یکی از این حامل‌های انرژی،

نیمه شب ۲۴ آبان ماه بود که طرح سهمیه بندی بنزین و افزایش ۳۰٪ قیمت آن تیتیر خبرها و رسانه‌ها شد... بعد از گذشتن هیاهوها و حواشی این موضوع با آرام شدن وضع مانند دیگر منتقدان به سهم خود و با اندک اطلاعات مان به بررسی تصمیم‌های ناگهانی دولت تدبیر می‌پردازیم! بحث ما این بار درباره‌ی یارانه ای است که دولت چند روز بعد از گرانی بنزین تحت عنوان یارانه معیشتی برای خانوارهای کم درآمد و دهک‌های پائین جامعه به منظور هم خوانی افزایش قیمت بنزین با پرداخت این یارانه معیشتی در نظر گرفت؛ در واقع درآمد‌هایی را که از این افزایش قیمت بنزین حاصل شود، به همان اندازه به عنوان یارانه معیشتی به دهک‌های کم درآمد بپردازند، در حالی که اشکالاتی چند بر این موضوع وارد است که یکی از آن ایرادات، درآمد دولتی ای است که ناشی می‌شود از فرارهای مالیاتی که در کشور وجود دارد با این وجود که دولت می‌تواند جلوی فرار مالیاتی را بگیرد و با گرفتن مالیات‌های آنان درآمدی نزدیک به ۳۰۰ هزار میلیارد و بیشتر به دست بیاورد که البته این دولت تمایل به گرفتن مالیات از کارگر و کارمند را دارد تا آقا زاده و بازیگر و پزشک و مانند آن! که این عدد فرار مالیاتی یک سال، برابر است با درآمد ده سال فروش بنزین با قیمت سه هزار تومان! هر چند که برخی آقایان دولتی معتقدند، پولی از جیب مردم نرفته و تنها پول‌شان را از این جیب برداشته و به آن جیب گذاشته‌اند. ایراد دوم این است که با وجود افزایش تورم و افزایش قیمت نفت می‌بایست یارانه پرداختی به مردم نیز افزایش پیدا کند که این موضوع در دولت نهم و دهم به صراحت عنوان شد ولی دولت فعلی با شعار "آن چنان رونق

از منظری دیگر...

اختیار مصرف‌کننده قرار دهد. همان طور که پیش از این در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها این اتفاق افتاد. این بی‌نظمی اقتصادی همراه با خلأ آگاهی اجتماعی عمدی ناشی از نامحرم دانستن مردم نسبت به اطلاع‌رسانی زمان‌بندی، شیوه و جزئیات اجرای این سیاست؛ منتج به افروختن شعله‌های اعتراض مردمی و سوء استفاده‌ی امنیتی از این موج شد. همچنین رییس جمهور محترم نیز در گفت و گویی رسانه‌ای به بیان چگونگی اجرای این سیاست همراه با لطفه‌گویی و خنده اقدام کرد. در صحبت‌های رییس جمهور چند نکته‌ی مهم به چشم می‌خورد: بی‌برنامگی کامل دولت در این سال‌ها و نداشتن عزم جدی برای اجرای قانون مصوب در جمهوری اسلامی ایران با دلیل‌های ناموجه و به‌کارگیری سیاست‌های خلاف قانون محسوس است. از طرفی مسئولیت این سیاست اقتصادی و هزینه کردن از قوای دیگر و شخص رهبر انقلاب برای شانه خالی کردن از بار مسئولیت غیر قابل قبول است. آقای روحانی در این گفت و گو با ارائه‌ی دلایلی سعی کرد توقف افزایش قیمت بنزین در دولت خود را توجیه کند. وی گفت: «در سال ۹۵ من مصمم بودم برای تغییر کوچکی آذر قیمت بنزین [رغم در دولت مطرح کردم، دولت مخالفت کرد.» و برای سال ۹۶ هم کمیسیون تلفیق را عامل بازدارنده دانست و برای سال‌های بعد هم دلایل غیر موجه دیگری را بیان کرد. در پاسخ به این اظهار نظر عجیب باید گفت طبق

افزایش بی‌برنامه‌ی قیمت بنزین که حواشی داغ و ناگواری برای کشور رقم زد در این روزها به سرتیتر اخبار و تحلیل‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بدل شده است. بی‌برنامگی کامل در سیاست‌های اقتصادی دولت در اجرای این سیاست به‌ویژه در تأمین منابع مالی لازم برای آزادسازی قیمت بنزین و نیز ناآگاهی از ابتدایات علم اقتصاد است! زیرا هدف از اجرای سیاست پرداخت جبرانی (پرداخت یارانه) ناشی از آزادسازی قیمت کالاها، حفظ قدرت خرید مصرف‌کننده برای جلوگیری از کاهش درآمد و مصرف حقیقی او است. حال آن‌که اردوگاه اقتصادی دولت معتقد است مردم باید در طول ماه افزایش قیمت بنزین که به معنی کاهش درآمد حقیقی (قدرت خرید) و در نتیجه کاهش تقاضا است را تحمل کنند و یا آن را با استقراض جبران کنند تا در پایان ماه دولت با ایشان تسویه کند. گویا رییس سازمان برنامه و بودجه که از قضا اقتصاددان و مشاور اقتصادی دولت نیز هست، معتقد است مردم وامدار دولتند نه دولت وامدار مردم! و این مردم هستند که باید هزینه‌ی اجرای اشتباه و بی‌برنامگی سیاست دولت را بپردازند. حال آن‌که دولت باید برای جلوگیری از آسیب به اقتصاد خانوار و حفظ قدرت خرید وی در مقابل سیاست‌های قیمتی، ضمن تأمین منابع لازم برای اجرای سیاست به‌ویژه در ماه‌های ابتدایی، پرداخت جبرانی را پیش از اجرای سیاست در

بودجه

کجاست؟!



مالیات به طور تقریبی در همه کشورهای جهان امری پذیرفته شده است و بهترین راهکار برای تامین بودجه و افزایش درآمدهای ملی محسوب می شود. به طوری که ۸۰ درصد از درآمد دولت ها را تشکیل می دهد اما در ایران هنوز به طور کامل از آن بهره گیری نشده است. در بحث مالیات انواع مختلفی وجود دارد که مالیات بر ارث، فروش، مصرف، درآمد، ارزش افزوده و دارایی نمونه ای از آن محسوب می شود که هر کدام از آنها به نوعی در اقتصاد کشور تاثیر گذار است. اما در ایران نظام مالیاتی بیش از همه بر مالیات بر درآمد استوار است، چون این مقوله بیشتر مشمول درآمد کارمندان دولت می شود و دولت می تواند به طور مستقیم از این درآمد ها مالیات کسر کند، اما در بخش های دیگر که نظارت کمتر است فرار مالیاتی صورت می گیرد. مالیات از دارایی های انباشته مثل خانه های خالی، خودرو های دپو شده توسط اشخاص و شرکت ها می تواند درآمد دولت ها را افزایش دهد بدون اینکه به قشر ضعیف جامعه فشار وارد شود و حتی باعث کوتاه شدن دست دلان و سودجویان می شود. همچنین اقشار پر درآمدی که سازمانهای مالیاتی نظارتی روی آنها ندارند باید تدابیری برای جلوگیری از فرار مالیاتی آنها صورت گیرد، و این کسری بودجه را در زمان نوسانات بازار نفتی جبران می کند. و از طرف دیگر اقدامات شفاف دولت و بنگاه های اقتصادی در کنار افزایش رفاه عمومی سبب اعتماد و تمایل به پرداخت مالیات از سوی جامعه میشود که از شاخص ترین درآمد دولت ها و از ضرورت های زندگی اجتماعی است، و پیامدهای سازنده و مثبت آن می تواند جامعه را در مسیر پیشرفت و توسعه یاری دهد.

در کشورهای همچون ایران که دولت نقش مهمی در انجام بسیاری از فعالیت های عمرانی و خدمات درمانی بر عهده دارد، برای انجام وظایف خود نیاز به بودجه دارد. اقتصاد ما عملاً بخش خصوصی ندارد و در دست دولت است و درآمد دولت بر پایه نفت می باشد و به علت نوسانات و تحقق نیافتن درآمدهای پیش بینی شده، دولت با کسری بودجه مواجه می گردد. سه محور بی انضباطی مالیات، اتکا به درآمد نفتی و ایجاد بدهی با استقراض از بانک مرکزی، باعث شده همیشه دولت ها با یک کسری بودجه مواجه باشند؛ این بی انضباطی مربوط به هر سه قوه بوده است! تاکنون هیچ دولت و مجلسی نتوانسته نفت را کنار بگذارد و بودجه را بدون نفت ببندد و نتیجه آن کسری بودجه بوده که راه برون رفت از آن را هر دولت به شیوه خود اجرا کرده است. در دولت خاتمی نگاه به نفت تغییر کرد تا تنها درآمد دولتی تلقی نشود. به دنبال آن ایجاد حساب ذخیره ارزی مورد توجه قرار گرفت که واریز مازاد درآمد دولت را شامل می شد تا در مواقعی که با نوسان قیمت نفت روبه رو هستیم، کشور از این منابع ذخیره شده استفاده کند و همچنین پرداخت وام ارزی از این حساب به بخش خصوصی صورت گیرد. با این دستور کار به توسعه صنعت نفت با سرمایه گذاری خارجی روی آورد، که باعث افزایش درآمد ارزی تا ۱۶۴ میلیارد دلار شد که نسبت به دولت قبل ۴۰ میلیارد دلار افزایش داشت ولی در مجموع همچنان دولتی وابسته به نفت باقی ماند. درآمد نفتی در دوران احمدی نژاد رکوردی قابل توجه بود؛ هرچند بررسی ها نشان می دهد میزان تولید و صادرات نفت روند کاهشی داشته، اما در بازار جهانی با وجود قیمت بالای نفت، دلارهای نفتی سرازیر ایران شد و بر اساس آمارهای ارائه شده این میزان ۸۱۶ میلیارد دلار بوده است. این دولت درآمد های مالیاتی را نیز بیشتر از قبل داشته است که بیشترین درآمد مالیاتی تا به امروز مربوط به سال های

۸۸-۸۹ بوده است. یکی دیگر از درآمدهای این دولت واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی است که با مقایسه سال های مختلف می بینیم که در سال ۱۳۸۸ بیشترین واگذاری ها صورت گرفته است اما موجودی حساب ذخیره ارزی کاهش داشته است. به طوری که برداشت های غیرقانونی بارها گزارش شد که احمد توکلی در توصیف این وضعیت از عبارت "حساب ذخیره ارزی جارو شد" استفاده کرد! یعنی از ۱۷۶ میلیارد دلار این حساب ۱۶۱ میلیارد دلار آن را برداشت کرد و به نوعی کسری بودجه را از این طریق جبران کرده است! و این نشان دهنده تکرار بی انضباطی مالی در این دولت با رویکردی متفاوت از دولت قبل است. و اما در دولت روحانی که یکی از اهداف خود را کاهش وابستگی به نفت عنوان کرده بود، آیا توانست این هدف را محقق کند؟! طبق گزارش مرکز پژوهش های مجلس در بررسی لایح بودجه، این دولت هر سال یک سوم از کل بودجه را از بخش نفت درآورده است. کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی از یک سو، و از دست رفتن بازارهای نفت جهانی در اثر تحریم ها از سوی دیگر مهمترین دلیل کاهش درآمد نفتی ایران است. در حالیکه پس از برجام، دولت تلاش فراوانی برای در اختیار گرفتن بازارهای صادراتی در دستور کار خود قرارداد اما ترامپ در اقدامی خلاف عرف بین الملل با خروج از برجام، خط جدید فشار علیه ایران را تدارک دید و با کم شدن درآمد ارزی دولت با کسری بودجه شدید مواجه شد. اما آنچه در این میان بیشتر به چشم می آید و کارشناسان نیز بر آن صحنه می گذارند که دولت برای جبران کسری به سراغ افزایش قیمت بنزین رفت. اما کشوری که در تحریم قرار دارد و علاوه بر آن اقتصادی نابسامان و به شدت بی ثبات دارد، اجرایی ساختن این طرح مناسب نیست و این افزایش باعث بالا رفتن قیمت کالا و در پی آن تورم می شود که نتیجه فقرا فقیرتر و ثروتمندان غنی تر می شوند و اما

اصلاحات اقتصادی اولویت دارد!

بلندی از اقدامات اولویت دار در اصلاح اقتصادی کشور وجود دارد که دولت به آنها بی توجه بوده است. ما فقط در یک مورد یعنی با اصلاح سازوکارهای مالیاتی کشور می توانیم حجم قابل توجهی از مسائل درآمدی کشور را جبران کنیم، بدون اینکه به مردم مستضعف فشار بیاید و از طرفی به تحقق عدالت و کاهش فاصله طبقاتی و نتیجتاً افزایش اعتبار اجتماعی در کشور هم کمک کند.

اولویت های اصلاح اقتصادی و توزیع درآمدی دولت باید در حمایت و تقویت مردم باشد، اما دولت با اقدام ناگهانی و بدون اطلاع رسانی قبلی در افزایش قیمت بنزین به مردم شوک ناگهانی وارد کرد و موجبات نارضایتی مردم را فراهم کرد. اکنون با اجرایی شدن طرح مذکور می طلبد دولت ضمن اصلاحاتی در آن و توزیع کامل درآمد حاصل از صرفه جویی در مصرف بنزین و صادرات بنزین به مردم و راهکارهای جبرانی و حمایتی تا آنجا که می شود از فشار به مردم کاسته شود. اما آنچه قابل تأمل و نقد و بررسی است، این است که آیا در اصلاح ساختار اقتصادی کشور سهمیه بندی بنزین در این شرایط جزو اولویت های کشور بود یا اقدامات ساده تر، کم هزینه تر که موجب فشارهای اقتصادی به مردم هم نشود وجود نداشت؟ موارد متعددی از اصلاح نظام بانکی به عنوان یکی از ریشه های مشکلات اقتصادی تا ایجاد پتروپالایشگاه ها و تبدیل نفت خام به فرآورده های نفتی و جلوگیری از خام فروشی و دور زدن تحریم ها، اصلاح سازوکارهای خصوصی سازی، حذف یارانه سوخت خودروهای لوکس و لیست

در شرایط جنگ اقتصادی و فشار تحریمی دشمن، کشور حتماً به اصلاحات و جراحی های جدی اقتصادی نیاز دارد تا بتواند خود را در برابر فشارهای بیرونی و کاهش درآمد کشور از فروش نفت مقاوم کند و خود را با این وضعیت هماهنگ و تطبیق دهد. نقطه کانون راهبرد فشار حداکثری آمریکا علیه ایران فشار به مردم و به تعبیر ریچارد نفیو معمار تحریم های آمریکا علیه ایران، مرد مورد هدف تحریم باید احساس درد را در زندگی خود مشاهده کنند و اثرات روانی و اجتماعی قابل لمس داشته باشد. در این میان راهبرد دولت دقیقاً باید بر مبنای تقابل و خنثی سازی هدف تحریم ها یعنی فشار بر مردم و ایجاد نارضایتی های اجتماعی، افزایش شکاف اجتماعی و نهایتاً اعتراضات و شورش های شهری باشد. لذا طرح ها و اصلاحات اقتصادی دولت ضمن اینکه باید همراه با پیوست های رسانه ای و اجتماعی هوشمندانه جهت جلب رضایت مردم باشد، آن طرح ها نیز دقیقاً باید در جهت کاهش فشار معیشتی روی مردم و به طور خاص قشر ضعیف جامعه طراحی گردد. حال با این شرایط

صاحب انتشاره و پیچ دانشجوئی دانشگاه ارواک

مدیر مسئول و محکمه چهره سلطانی نژاد

تحت نظر شورای سردبیری

هیئت تحریریه

حامد آراک / مدیر سبزی

محکمه چهره سلطانی نژاد

طراح و صفحه آوره حامد آراک

@BasijAraku

@Basij_Araku

۰۹۲۷۶۴۴۵۷۲۶